

سورة الاحقاف

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سید محمد نقوی

گرافیسیت: سیده زهرا حسینی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مآخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویست شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مآخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی در قبال محتوا و نویسنده آن ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه
المصطفی العالمیه. قم
۴. سید مهدی نقوی، ارشد رشته ادیان ابراهیمی، قم جامعه المصطفی
۵. داود عطایی، ارشد فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم

فهرست مطالب

۷	قرآن پژوهشی حد محاربه با تأکید بر سیاست جنایی اسلام
۲۱	تأثیرپذیری اخلاقی انسان از عوامل اخلاقی و رفتاری از دیدگاه قرآن و روایات
۴۱	علویون سوریه، مذهب منحرف یا شیعیان صوفی مسلک
۵۵	فاعلیت الهی در اندیشه امام خمینی
۸۳	فاطمه زهرا سلام الله علیها بهترین الگو برای سبک زندگی
۱۰۵	تعارض بیش از دو دلیل در صورت بروز تخصیص اکثر در لفظ عام از منظر امام خمینی و آقا ضیاء عراقی
۱۲۵	نقش سیاسی امام حسن عسکری علیه السلام در مشروعیت زدایی خلافت بنی عباس
۱۴۷	اعراض از کرامت انسانی در اندیشه اسلام و اسناد بین المللی حقوق بشر
۱۷۳	مهلت پرداخت دیه قتل از دیدگاه فقه امامیه
۱۹۱	مقایسه و بررسی اشتراط بلوغ در عقد از نظر مقدس اردبیلی و محقق خویی
۲۱۳	بررسی فقهی مصرف قربانی و تقسیم ثلاثی آن در حج تمتع



سال چهارم، تابستان ۱۴۰۳، شماره ۱۳

بررسی فقهی مصرف قربانی و تقسیم ثلاثی آن در حج تمتع

سید رضی قادری^۱

چکیده

هدی (قربانی) یکی از اعمال و مناسک مهم حج تمتع است. آنچه در این جا از اهمیت برخوردار است کیفیت مصرف آن است که در مباحث فقهی و کلمات فقها مورد اختلاف شدید واقع شده است برخی از فقها قائل شده‌اند باید به تقسیم ثلاثی پرداخت (اکل، اهدا، صدقه) و نیز قائل به وجوب این تقسیم ثلاثی شده‌اند و از سوی دیگر برخی از فقها قائل به استحباب این تقسیم شده‌اند و جمعی دیگر از فقها یک قسم (اکل) و یا دو قسم (اکل و صدقه) را واجب یا مستحب دانسته‌اند. از آنجائیکه هر سال میلیون‌ها نفر به سفر حج و اعمال مناسک و انجام قربانی می‌پردازند این نکته از اهمیت مضاعف برخوردار خواهد بود که کیفیت مصرف این قربانی به چه صورت باشد تا مکلفان در انجام وظیفه شرعی و امثال تکلیف آرامش یابند.

در این مقاله به طور مستوفی اقوال و ادله بررسی شده و به این نتیجه رسیده که تقسیم ثلاثی و جوانب آن برای متمتع تقسیم استحباب دارد و حتی اکل مالک از آن نیز مستحب است و ادله برای اثبات وجوب آن کافی نیست. آنچه که در قربانی اساس امثال است اصل ذبح است و کیفیت مصرف آن که در کتب فقهی مطرح شده از باب استحباب است.

کلید واژه‌ها: هدی، قربانی، تقسیم، اکل، اطعام، صدقه، ثلاثه

۱. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، سطح ۴ حوزه، دکتری فلسفه اخلاق دانشگاه باقرالعلوم

۱. مقدمه

تردیدی نیست که یکی از اعمال واجب در حج تمتع «هدی» (قربانی کردن) است که بر وجوب آن ادعای اجماع شده (نجفی ۱۳۶۵ ش، ج ۱۹، ص ۱۱۴) بلکه اجماع مسلمین بر آن اقامه شده است (حلی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱۱ ص ۲۴۹). فقهای عظام موضوع قربانی را گاه در ضمن اعمال و مناسک واجبه در حج تمتع مطرح کرده‌اند و گاهی آن را از اعمال و مناسک واجبه در منی متذکر شده‌اند. فقها مباحث و مسائل قربانی را در ۴ مقام مطرح می‌کنند: ۱- من یجب علیه الهدی (کسی که قربانی بر او واجب است) ۲- کیفیت ذبح و مکان و زمان آن ۳- جنس و وصف و سن قربانی ۴- مصرف قربانی.

در مقام چهارم که بحث مصرف قربانی است چندین نکته مورد توجه فقها قرار گرفته است و لکن دو بحث در آن از همه مهمتر جلوه می‌کند: بحث اول در وجوب یا استحباب اکل از این قربانی است. بحث دوم در استحباب یا وجوب تقسیم ثلاثی این قربانی است (قسمتی را بخورد، قسمتی را صدقه بدهد، قسمتی را اهداء کند). البته بحث اول زیر مجموعه بحث دوم قرار می‌گیرد لکن هر دو بحث مورد توجه فقها واقع شده است. لازم به ذکر است این دو بحث بویژه بحث اول مورد اختلاف شدید بین فقها واقع شده است به نحوی که بدست آوردن قول مشهور در آن به آسانی ممکن نیست. این اختلاف اقوال هم در بین قدما و هم متاخرین و هم معاصرین کاملاً آشکار است و حتی برخی از فقها (مرحوم علامه حلی و شهید اول) در یک کتابشان فتوی به استحباب داده و در کتاب دیگر قول به وجوب را اختیار کرده است. بدون شک این اختلاف در اقوال، از اختلاف در ادله و روایات نشأت گرفته است که فهم و استنباط فقهی در استدلال به آن موجب اختلاف در اقوال و فتاوی شده است. لذا نگارنده سعی کرده تا آنجایی که ممکن است استقصاء کامل از اقوال فقهاء و ادله‌ی آن کند و قول حق را برگزیند. از آنجایی که این بحث از مباحث مهم و مبتلا به برای حاجیان و طائفان است اهمیت این تتبع را مضاعف می‌کند.

۲. بررسی اقوال در مسئله:

قریب به اتفاق فقهای عظام که بحث هدی و قربانی در حج تمتع را بحث کرده‌اند این بحث را نیز مورد توجه قرار داده‌اند.

شکی نیست در مباحث فقهی باید اقوال فقها بویژه اقوال قدماء را مورد توجه قرار داد هم از این باب که در تحصیل شهرت و رسیدن به قول مشهور لازم می‌نماید و هم از این باب که گاهی منشاء فتوا و آرای فقها در اقوالشان اشراب می‌شود. چون برخی از قدماء فقط به ذکر فتوی و رأی خود می‌پردازند و مستقلاً از ادله‌ی آن سخنی نمی‌گویند و هم از این باب که شیوه و کیفیت بحث فقهی مربوط (مهندسی فقهی مسئله) را آشکار می‌سازد. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۲ ش، ص ۴۹۲) بنابراین پرداختن به اقوال فقها لازم می‌نماید. از آنجایی که اقوال در این جا مختلف است و برای آن که اقوال فقها بدرستی تبیین بشود لذا قائلین به وجوب را متذکر می‌شویم و سپس قائلین به عدم وجوب را.

۱-۲. قائلین به وجوب:

اولین فقیه شیعی که متذکر بحث مصرف قربانی شده مرحوم شیخ صدوق است. ایشان در کتاب فقهی خود «المقنع» (صدوق، ۱۴۱۵ق، ص ۲۴۷ می‌فرماید: ثم اذبح وانحرثم کل و تصدق و اطعم و اهد الی من شئت.

فقهای متاخر قائل شدند عبارت شیخ صدوق صراحت در وجوب ندارد بلکه ظهور در وجوب اکل یا ظهور در وجوب تقسیم ثلاثی دارد. (نراقی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۳۳۱) برخی دیگر از فقها قائل شدند کلام شیخ صدوق مطلق است (اعم از وجوب و ندب) لذا نمی‌توان ایشان را از قائلین به وجوب مطرح کرد (اردبیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۷ ص ۲۳۷)

مرحوم شیخ مفید در کتاب المقنعه با توجه به این که احکام و مسائل متعددی در قربانی و هدی را مطرح می‌کند ولی هیچ اشاره‌ای به مصرف قربانی و تقسیم آن نمی‌کند. (مفید، ۱۴۱، ص ۴۱۰-۴۲۸)

مرحوم ابن ادریس حلی اولین فقیه شیعی است که صراحتاً قائل به وجوب اکل و وجوب صدقه شده و می‌فرماید: فاما هدی المتمتع و القارن فالواجب ان یاکل منه و

لو قليلا و يتصدق على القانع و المعتر قليلا لقوله تعالى: «فكلوا منها و اطعموا القانع و المعتر» و الامر عندنا يقتضى الوجوب. (حلی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۶۰۴)

در بین فقهای متقدم، دومین فقیه شیعی که صراحتاً قول به وجوب اکل را اختیار کرد. محقق حلی در کتاب شرایع الاسلام است. ایشان می فرماید: و يستحب ان يقسم اثلاثا: ياكل ثلثه و يتصدق بثلثه و يهدى ثلثه، و قيل: يجب الاكل منه، و هو الاظهر. (حلی ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۶۱) محقق حلی در کتاب مختصر النافع خود نیز قول به وجوب را بر می گزیند. (حلی، ۱۴۲۱، ص ۱۲۱) البته مرحوم محقق حلی در کتاب المعبر متذکر مصرف قربانی نشده است. بنابراین در بین قدما فقط دو نفر صراحتاً قائل به وجوب شده اند که مرحوم ابن ادریس و مرحوم محقق حلی می باشند که مرحوم ابن ادریس وجوب اکل و صدقه را مطرح می کند و مرحوم محقق حلی فقط وجوب اکل را متذکر می شود و تقسیم ثلاثی را مستحب می داند.

در بین متأخرین، قائلین به وجوب اکل از اکثریت برخوردار هستند ولی مشهور قائل به استحباب تقسیم ثلاثی هستند. مرحوم علامه حلی در پنج کتاب فقهی خود صریحاً قول به وجوب اکل را اختیار و تقویت می کند: در تذکره الفقهاء (۱۴۲۱، ج ۸، ص ۲۹۴)، مختلف الشیعه (۱۴۱۸، ج ۴، ص ۲۸۵)، قواعد الاحکام (۱۴۱۸، ج ۱، ص ۴۴۱)، منتهی المطلب (۱۴۲۹، ج ۱۱، ص ۲۵۷)، تحریر الاحکام (۱۴۲۰، ج ۱، ص ۶۳۲)، و لکن در دو کتاب فقهی دیگرش یعنی ارشاد الازهان (۱۴۲۱، ج ۱، ص ۳۳۳) و تبصره المتعلمین (۱۴۱۱، ج ۴، ص ۲۴۵) استحباب را اختیار می کند.

البته مرحوم علامه حلی در منتهی المطلب فقط وجوب اکل را مطرح می کند. (۱۴۲۹، ج ۱۱، ص ۲۵۷) ولی در مختلف الشیعه وجوب اکل و وجوب صدقه را متذکر می شود و اصلاً اهداء را متعرض نمی شود. (۱۴۱۸، ج ۴، ص ۲۸۵) مرحوم علامه حلی در تمامی کتب فقهی اش تقسیم ثلاثی را مستحب می داند.

مرحوم شهید اول در دروس قول به وجوب را هم در اکل و هم در تقسیمات ثلاثه مطرح می کند. (۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۴۳) لازم به ذکر است مرحوم شهید اول در اللعنه الدمشقیه (۱۴۱۰، ص ۹۵) و نیز در غایه المراد (۱۴۱۴، ص ۴۴۱) قول به استحباب را قبول می کند. مرحوم محقق ثانی در جامع المقاصد نیز می فرماید: الاصح الوجوب.

(کرکی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۲۵۲)

مرحوم شهید ثانی در مسالک الافهام ابتداء عبارت شرایع الاسلام را نقل می‌کند، سپس می‌فرماید: الاصح وجوب الامور الثلاثه و الاكتفاء بمسمى الاكل و اهداء الثلث و الصدقه بالثلث. (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۳۰۳)

شهید ثانی در الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه (۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۳۶) و نیز در کتاب حاشیه الارشاد صراحتاً قول به وجوب در تقسیم تلاش و نیز وجوب اکل را صراحتاً می‌پذیرد (۱۴۱۴، ص ۴۴۱)

مرحوم صاحب حدائق در بین فقهای متاخر بیشترین بحث را در مسئله مصرف قربانی مطرح می‌کند ابتداء احوال بعد ادله فقها را در وجوب و استجاب مطرح می‌کند و در آخر قول به وجوب در اکل را فقط می‌پذیرد و می‌فرماید: و بالجمله فالمساله لا تخلو عن شوب الاشکال و ان كان القول المشهور بين المتأخرين لا يخلو من قرب و لا ريب انه اقرب الى الاحتياط. (بحرانی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۵۹)

مرحوم صاحب مدارک (موسوی عاملی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۴۴) و مرحوم نراقی (نراقی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۳۳۱) هم قائل به وجوب اکل شده‌اند. مرحوم شیخ بهایی در جامع عباسی (که کتاب فقهی فارسی است) قائل به وجوب است. ایشان می‌فرماید: در قربانی ده امر واجب است و شش امر مستحب است و در امر دهم از واجبات قربانی می‌فرماید: دهم آنکه بعضی از آن را تصدق کند و بعضی را خود بخورد و بعضی را هدیه کند. (عاملی، بی تا، ص ۱۲۹)

بنابراین همان طور که برخی از فقها گفته‌اند در بین متأخرین قول به وجوب در اکثریت است. (اردبیلی، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۲۸۷)

در بین معاصرین و مراجع فعلی باید گفت که برخی از فقها قائل به وجوب شده‌اند که البته این فقها گاهی وجوب را صریحاً مطرح کرده‌اند و گاهی احتیاط و جویی کرده‌اند.

مرحوم خوئی در المعتمد فی شرح المناسک بعد از آن که دو قول در مسئله و قول مرحوم محقق حلی در شرایع را بر وجوب اکل مطرح می‌کند می‌فرماید: الصحيح ما اختاره المحقق للامر به فی الكتاب و السنه و لا ريب ان ظاهر هذه الاوامر الوجوب

ولا وجه لرفع الید عنه. (خویی، ۱۴۲۶، ج ۲۹، ص ۳۰۹) مرحوم آقای خویی همین وجوب را در کتاب مناسک حج می پذیرد (خویی، ۱۴۱۱، ص ۱۴۸) حضرت آیت الله صافی گلپایگانی می فرماید: احتیاط واجب آن است که قدری از قربانی را خودش بخورد و قدری را هدیه بدهد و قدری را به فقیر مومن صدقه بدهد. (۱۴۲۵، ص ۴۵۵) عجیب آن است که آقای صافی گلپایگانی در کتاب فقه الحج که بحث استدلالی و فقهی ایشان است و با توجه به این که مباحث و مسائل متعددی در مورد قربانی را مطرح می کند. لکن هیچ اشاره ای به مصرف قربانی و تقسیم آن نمی کند. (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۱۹۹-۲۲۴)

۲-۲. قائلین به عدم وجوب (استحباب)

در بین قدما اولین فقیه شیعی که صراحتاً قول به استحباب و عدم وجوب را صریحاً مطرح کرده مرحوم شیخ طوسی است.

مرحوم شیخ طوسی این قول به عدم وجوب را هم در تفسیر تبیان (۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۰۱) و هم در اکثر کتب فقهی خود متذکر می شود: در کتاب الخلاف (۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۵۰۰)، المبسوط (۱۳۸۷ ش، ج ۱، ص ۳۷۴)، النهایه (۱۴۱۴ ق، ص ۲۶۱) ابن براج که شاگرد مرحوم شیخ طوسی است وی نیز صریحاً قائل به استحباب می شود (ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۵۹)

مرحوم ابن زهره در غنیه النزوع و می فرماید: ویجوز الاکل من هدی التمتع. (ابن زهره ۱۴۱۷، ص ۱۹۰)

مرحوم یحیی بن سعید حلی (۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۳۲) و مرحوم ابن قطان حلی (۱۴۲۴، ج ۱ ص ۲۵۵) و نیز ابوالصلاح حلبی (۱۴۰۷، ص ۱۹۴) نیز قائل به استحباب اکل از قربانی متعه و تقسیمات ثلاثی آن شده اند.

بنابراین در بررسی اقوال قدماء متوجه می شویم اکثریت آن ها (اگر نگوئیم مشهور) قول به عدم وجوب را اختیار کرده اند و حتی بیان فقهای متقدم در عدم وجوب صراحت بیشتری دارد نسبت به فقهای که وجوب را اختیار کرده اند، به عبارت دیگر باید بگوئیم قدمایی که قول به وجوب را اختیار کرده اند با احتیاط همراه بود و از صراحت کمتری

برخوردار بوده است نسبت به فقهای که قول به عدم وجوب را انتخاب کرده‌اند. در بررسی اقوال متاخرین همان طور که قبلاً گفتیم مرحوم علامه حلی که راس المتاخرین و آخر المتقدمین است در برخی از کتاب‌هایش قول به وجوب اکل را بر می‌گزیند لکن در تبصره المتعلمین (۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۳۳) و ارشاد الازدهان (حلی ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۳۳۳) قول به استحباب را مطرح می‌کند.

شهید اول با آن که در کتاب الدروس خود قول به وجوب را مطرح می‌کند لکن در غایه المراد (۱۴۱۴، ص ۴۴۱) در اللمعه الدمشقیه نیز قول به استحباب را می‌پذیرد. (۱۴۱ ص ۷۶)

مرحوم فاضل آبی در کشف الرموز که شرح مختصر النافع محقق حلی است و وقتی عبارت مصنف را بر وجوب اکل مطرح می‌کند لکن خودش استحباب را اختیار می‌کند. (فاضل آبی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۶۸)

مرحوم فاضل اصفهانی (فاضل هندی) در کشف اللثام (۱۴۲۲، ج ۶، ص ۱۷۰) و مرحوم صاحب ریاض (طباطبایی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۴۵۳) و محقق اردبیلی (اردبیلی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۲۸۶) قائل به استحباب می‌شوند.

مرحوم صاحب جواهر بعد از آن که عبارت محقق را بر وجوب اکل در شرائع الاسلام نقل می‌کند و قول شهید اول در دروس را نیز مطابق آن می‌داند لکن بعد از بحث و بررسی قول به استحباب را تقویت می‌کند و می‌فرماید: قول به وجوب مطابق با احتیاط است لکن ادله برای اثبات آن قاصر است. (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۹، ص ۱۶۰)

بنابراین با بررسی اقوال متاخرین مشخص می‌شود که اختلاف اقوال در بین متاخرین شدید است و این که برخی از فقها گفته‌اند مشهور بین متاخرین بر وجوب است نمی‌توان به آسانی آن را پذیرفت چون هم قائلین به وجوب و هم قائلین به استحباب در کثرت هستند که حتی نمی‌توان قول اشهر را بر یک طرف حمل کرد.

در بین معاصرین و مراجع فعلی قائلین به استحباب تقسیم در مصرف قربانی و عدم وجوب اکل از اکثریت قابل توجهی برخوردار هستند.

مرحوم آقا ضیا عراقی در شرح تبصره المتعلمین (عراقی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۴۵) و

مرحوم نائینی (۱۴۱۹، ص ۳۸۵) صراحتاً قول به استحباب تقسیم ثلاثی و استحباب اکل را انتخاب میکنند.

حضرت امام خمینی در تحریر الوسیله می فرماید: يستحب ان یقسم الهدی اثلاثاً یاکل ثلثه و یتصدق بثلثه و یهدی ثلثه و الاحوط اکل شیء منه و ان لا یجب. (۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۸۴) همین فتوی از ایشان در کتاب مناسک حج نیز آمده است. (ص ۴۵۵) مرحوم فاضل لنکرانی در تفصیل الشریعه که شرح بر تحریر الوسیله است همین قول امام (ره) را بر می‌گزیند (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۲۶۶) مرحوم آقای اراکی نیز در مناسک حج قول به استحباب اکل و تقسیم ثلاثه را قائل می‌شود. (اردکی، ۱۳۷۲، ص ۲۲۳)

حضرت آیه الله شبیری زنجانی (مناسک حج مراجع معظم تقلید، ۱۴۲۵، ص ۴۵۵) و حضرت آیه الله سیستانی (همان، ص ۴۵۵) هر دو در مناسک حج خودشان فرموده‌اند بهتر است گوشت قربانی را سه قسمت کنند قسمتی از قربانی را بخورد قسمتی را صدقه بدهد. حضرت آیه الله مکارم شیرازی می‌فرماید: تقسیم ذبیحه به سه قسمت واجب نیست. (همان)

۲-۳. جمع بندی اقوال:

با استتصاء و بررسی کامل در اقوال فقها مشخص می‌شود که در بین قدامت فقط دو نفر قائل به وجوب اکل بودند یکی مرحوم ابن ادریس حلی (حلی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۶۴) و دیگری مرحوم محقق حلی (حلی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۶۱) بود که مرحوم ابن ادریس وجوب صدقه را نیز مطرح می‌کرد. از کلام مرحوم صدوق (صدوق، ۱۴۱۵، ص ۲۷۴) نیز وجوب استفاده می‌شود لکن چندان مشخص نبود و برخی از فقها از مرحوم ابی عقیل عمانی نیز نقل وجوب کردند (حلی، ۱۴۲۹، ج ۱۱، ص ۲۵۷) لکن چون کتب ابن ابی عقیل در دسترس نیست نمی‌توان ایشان را مخالف صریح به حساب آورد. ولی اکثر فقهای متقدم قول به استحباب را مطرح کردند و قبلاً گفته شد که صراحت در نقل وجوب از این فقها با توجه به اکثریتی که دارند شهرت را با قول به عدم وجوب در بین قدامت تقویت می‌کند که می‌تواند موید خوبی در بررسی ادله قرار

بگیرد. البته در بین متاخرین نمی‌توانیم به طور دقیق بگوئیم اکثریت قول به وجوب اکل را اختیار کرده‌اند چون هم قائلین به وجوب زیاد بودند و هم قائلین به استحباب، حتی برخی از فقها مثل مرحوم علامه و مرحوم شهید اول در برخی از کتب خود قول به وجوب را اختیار کرده و در کتب دیگر قول به استحباب را پذیرفته‌اند. لکن در بین معاصرین و قریب به معاصرین باید بگوئیم قول به عدم وجوب از اکثریت قابل توجهی برخوردار است. بنابراین لازم است ما ادله در این مسئله را به طور مستوفای بررسی کنیم تا قول حق آشکار شود.

۳. بررسی ادله قائلین به وجوب

بدون شک مهمترین توجه در مباحث فقهی باید در ادله معطوف شود چون تمام تکیه گاه فقها در مباحث فقهی و فنی به ادله‌ای است که مطرح شده است اگر ادله به درستی تبیین و استدلال شود فقیه را در استنباط از آن به واقع نزدیکتر می‌کند. لذا لازم است ما تمامی این ادله را مد نظر قرار بدهیم.

۱-۳. دلیل اول: استناد به دو آیه قرآن کریم

عمده دلیل فقها در این مسئله دو آیه از قرآن کریم است که لازم است به آن پردازیم:

آیه اول: فکلوا منها واطعموا البائس الفقیر (حج/۲۸) « هنگامی که قربانی کردید پس از گوشت آنها بخورید و بینوای فقیر از اطعام نمائید.

آیه دوم: فاذا وجبت جنوبها فکلوا منها واطعموا القانع والمعتر (حج/۳۶) « هنگامی که قربانی جان داد و پهلوهایش آرام گرفت » از گوشت آنها بخورید و مستمندان قانع و فقیران را اطعام کنید.

استدلال قائلین به وجوب از آیه کریمه:

فقهایی که قائل به وجوب اکل شده‌اند یکی از ادله آنها همین دو آیه کریمه است که در آن امر به اکل شده است ما در این جا به دو نمونه از استدلال این فقها اشاره می‌کنیم:

مرحوم ابن ادریس که اولین فقیه شیعی است که صریحا قائل به وجوب اکل و

و جوب صدقه شده می فرماید: فالواجب ان ياكل منه و ولو قليلا و يتصدق على القانع و المعتر و لو قليلا لقوله تعالى « فكلوا منها و اطعموا القانع و المعتر » و الامر عندنا يقتضى الوجوب و الفور دون التراخي. (حلی، ۱۴۲۸ فح ۱، ص ۶۰۴)

مرحوم نراقی در مستند الشیعه که قول به وجوب را بر می گزیند نیز می فرماید: يجب اكل المالك شيئا من لحم الهدى للآيتين و صحیحه ابن عمار. (نراقی، ۱۴۲۹ ج ۱۲، ص ۳۳۱)

قریب به اتفاق فقهای که قول به وجوب را اختیار کرده اند استدلال به این دو آیه را از اهم استنادات فقهی خود قرار داده و گفته اند آیه قرآن کریم با صیغه امر آمده است و صیغه امر هم ظهور در وجوب دارد و ما دلیل برای رفع ید از وجوب آن نداریم.

جواب: اولاً در این که صیغه امر ظهور در وجوب یا طلب فعل دارد تردیدی نیست لکن در اینجا همان طور که برخی از فقها گفته اند ما قرینه داریم این دو آیه دلالت بر وجوب ندارد. چون امر در اینجا بعد حظر و توهم حظر است. چون در جاهلیت خوردن گوشت قربانی ممنوع بود و آن را حرام می دانستند. (زمخشری، ۱۴۲۶ ج ۳، ص ۱۲۱، طبرسی، ۱۴۲۶ ج ۷، ص ۲۳۷) و نیز شارع متعال خوردن گوشت قربانی که از نذر و کفاره و امثال آن را حرام کرده است لذا یک نوع حظر و یا توهم حظر در اذهان حاصل می شود که اینجا نیز همان حرمت باقی باشد لذا شارع متعالی امر به اکل کرده است و مراد جواز آن به معنی الاعم است. (اصفهانی، ۱۴۲۲ ج ۶، ص ۱۷۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۵ ج ۶، ص ۴۵۳؛ اردبیلی، ۱۴۱۹، ص ۲۲۷)

ثانیا: نکته دیگری که باید متذکر شد که در کلمات مرحوم اردبیلی (۱۴۰۹، ج ۷، ص ۲۷۶) و مرحوم صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۶۵ ش، ج ۱۹، ص ۱۶۰) برخی دیگر (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ ج ۵، ص ۲۶۹) آمده است بر این که غالباً چنین امری در آن مکان خاص و زمان خاص موجب حرج بر حاجیان و مکلفین می شود و امثال چنین امری در صورت امکان هم به ندرت اتفاق می افتد. لذا یا باید حمل بر جواز کرده و یا باید بگوئیم امثال آن در مصادیق نادر محقق می شود که قبول این چنین امثالی موجب استبعاد یا استهجان در کلام الهی و امر شارع می شود چون تخصیص اکثر لازم می آید.

ثالثاً: نکته سومی نیز در جواب باید گفت که مرحوم آقا ضیاء عراقی مطرح کرده که می‌فرماید کسانی که قائل به وجوب می‌شوند و از این آیه کریمه استدلال بر وجوب می‌کنند اینها باید تقسیم به تثلیث را هم واجب بدانند چون مجموع این دو آیه دلالت بر تثلیث هم می‌کند همان طور که امر به اکل و اطعام به قانع و معتر و اطعام به فقیر را مطرح می‌کند چون تثلیث هم از متعلقات همین امر است. (عراق، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۲۴۵) به عبارت فنی باید گفت امر به شیء امر به لوازم آن را نیز به دنبال خواهد داشت در حالی که قریب به افاق همین فقهای که قائل به وجوب اکل شده‌اند قائل به استحباب در تقسیم به تثلیث شده‌اند.

اشکال محقق خوئی: مرحوم آقای خوئی که قائل به وجوب شده، در استدلال به وجوب به آیه کریمه می‌فرماید: لاریب ان ظاهر هذه الاوامر هو الوجوب ولا وجه لرفع اليد عنه، بعد در رد این که این امر عقیب الحظر است می‌فرماید: لم یثبت ما حکاه الزمخشری عن اهل الجاهلیه و ان الدین الاسلامی کان ناسخاً لاحکام الجاهلیه و مجرد الحرمة عند اهل الجاهلیه لا یوجب رفع اليد عن ظهور الامر فی الوجوب. (خوئی، ۱۴۲۶، ج ۲۹، ص ۳۰۹)

مرحوم آقای خوئی در واقع دو اشکال را متذکر می‌شود: یکی این که نقل زمخشری بر این که در جاهلیت خوردن گوشت قربانی حرام بوده ثابت نشده است و ما صرف نقل او را نمی‌توان حجت بدانیم. دیگر این که شریعت اسلامی تمام احکام جاهلیت را نسخ کرده و ما مستمسکی بر این که امر جاهلیت در کار باشد و توهم حظری از آن به میان بیاید نداریم.

جواب: اولاً: همان طور که برخی از فقهاء اشاره (سبحانی، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۱۲۹) کرده‌اند زمخشری در میان مفسرین از جلالت و شان خاصی برخوردار است که نمی‌توان منقولات او را به آسانی رد کرد.

ثانیاً: غیر از زمخشری، مفسدان دیگری نیز اعم از شیعه و سنی این مطلب را متذکر شده‌اند که می‌توان به مرحوم شیخ طوسی در تفسیر تبیان (طوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۲۹) و مرحوم طبرسی در مجمع البیان (طبرسی، ۱۴۲۶، ج ۷، ص ۲۳۴) و یا قرطبی در تفسیرش (قرطبی، ۱۴۱۱، ج ۱۲، ص ۴۷) اشاره کرد. پس زمخشری در این قول تنها نیست

مضافاً که در کتب دیگری غیر از تفسیر به این مطلب اشاره شده است. ثالثاً: این که بگوئیم شریعت اسلامی تمامی احکام جاهلیت را نسخ کرده است پذیرفته نیست. درست است که اسلام بسیاری از احکام جاهلیت را منسوخ کرده ولی برخی از آن‌ها را جهت داده و برخی دیگر را اصلاح کرده است. (فاصل لنگرانی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۲۶۷)

اشکال صاحب مستند الشیعه: مرحوم نراقی که قول به وجوب اکل را اختیار کرده در استدلال به آیه می‌فرماید که امر در این آیه دال بر وجوب است و این که گفته می‌شود امر عقیب الحظر دلالت بر وجوب ندارد چندان مسلم نیست. لذا نمی‌توان با چنین نظر غیر مسلمی استدلال کرد در مقابل مطلب معلومی که امر دلالت بر وجوب دارد. عدم ثبوت النقل المذكور بحیث یوجب علینا صرف اللفظ عن حقیقه المعلومه (نراقی، ۱۴۲۹، ج ۱۲، ص ۳۳۲)

جواب: همان طوری که در مباحث اصول این مطلب مبرهن شده که با توجه به اقوال متعددی که در دلالت امر عقیب الحظر یا توهم الحظر موجود است ولی دو قول کلی و دو مبنای کلی مورد توجه اکثریت اصولیین و علماء قرار گرفته است. (خراسانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۷۱، خویی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۱۱) یک مبنا این است که امر عقیب الحظر دلالت بر اباحه یا جواز معنی الاعم می‌کند. مبنای دیگر که مرحوم آخوند و برخی دیگر از اصولیین قائل شدند این است که امر عقیب الحظر دلالت آن دچار اجمال می‌شود باید قراین دیگری بیاید تا دلالت آن را مشخص کند. (همان) بنابراین دلالت امر عقیب الحظر بر وجوب دچار خدشه می‌شود، نهایت سخن این است که نمی‌توان وجوب آن را مطرح کرد. و اصلاً این مطلب عرفی و عقلایی است که در اوامر عرفیه و عقلائیة چنین اوامری را حمل بر وجوب نمی‌کنند. (سبحانی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۸۵) پس اشکال مرحوم نراقی وارد نیست.

۲-۳. تمسک به فعل پیامبر (ص)

یکی از ادله‌ای که مورد استناد قائلین به وجوب اکل قرار گرفته تمسک به روایتی است که در آن کیفیت حج پیامبر اسلام (ص) مطرح شده است. (نراقی، ۱۴۲۹، ج ۱۲،

ص ۳۳۵، بحرانی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۵۹) البته برخی از این فقها (خونی، ۱۴۲۶، ج ۲۹، ص ۱۶۰) این فعل پیامبر (ص) را مستقلاً دال بر وجوب ندانسته‌اند بلکه آن را تأیید بر دلالت وجوب از آیه کریمه مطرح کرده‌اند.

ولی برخی دیگر از فقها مانند مرحوم صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۹، ص ۱۶۰) و دیگران از آن دلالت بر جواز یا استحباب را استفاده کرده‌اند. ما ابتدا خود روایت را باید نظر قرار بدهیم. مرحوم شیخ حرعاملی این روایت را چندین جای وسائل الشیعه (ج ۱، ابواب الذبح باب ۴۰، ج ۸، ابواب اقسام الحج) تقطیع کرده و به مناسبت از آن استفاده کرده است. ولی اصل روایت که به صورت مفصل نقل کرده در ابواب اقسام الحج است. (همان، ج ۸، ابواب اقسام الحج باب ۲، حدیث ۴)

محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر و عن محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان عن ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی عن معاویه بن عمار عن ابی عبدالله (ع) قال: امر رسول الله (ص) حین ینحران یوخذ من کل بدنه جذوه من لحمها ثم تطرح فی برمه ثم تطبخ فاکل رسول الله (ص) و علی (ع) منها و حسیا من مرقها. (همان، ج ۸، ابواب الذبح، باب ۴۰، حدیث ۱۱)

این روایت از حیث سند صحیح است و هیچ اشکالی در سند آن نیست و تمامی فقهای که این روایت را مد نظر قرار داده‌اند از حیث سند بر صحت آن هیچ خدشه‌ای وارد نکردند لکن بحث در دلالت آن است که برخی از فقها به آن استدلال بر وجوب کرده‌اند. (حلی، ۱۴۲۹، ج ۱۱، ص ۲۵۶، بحرانی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۵۹)

جواب: همان طور که مرحوم صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۹، ص ۱۶۱) و برخی دیگر از فقها اشاره کرده‌اند فعل النبی (ص) هیچ دلالتی بر الزام و وجوب ندارد بلکه از آن جواز فهمیده می‌شود که منافاتی با استحباب هم ندارد.

۳-۳. روایات

روایاتی که در این بحث مورد استناد واقع شده متعدد است برخی از این روایات از حیث سند معتبر و برخی دیگر چندان اعتباری ندارد. ما در اینجا سعی می‌کنیم به غالب این روایات هم از حیث سند و هم از حیث دلالت پردازیم.

۳-۳-۱. روایت اول: موثقه شعيب العرقوفی:

عن محمد بن يحيى عن احمد بن محمد عن ابن فضال عن يونس بن يعقوب عن شعيب العرقوفی قال: قلت لابی عبدالله (عليه السلام):

سقت في العمرة بدنه فاين انحرها؟ قال: بمكة: قلت: اي شيء اعطى منها؟ قال: كل ثلثا واهد ثلثا و تصدق بثلث. (حر عاملی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰، ابواب الذبح، باب ۴۰، حديث ۱۸) راوی می پرسد: این شتر قربانی را که با خود آوردم کجا نحر کنم؟ امام (ع) فرمود: مکه، بعد می پرسد: چه مقدار از آن را اعطا کنم؟ فرمود: ثلث آن را بخور ثلث آن را اهدا کن و ثلث آن را به فقرا صدقه بده.

روایت از حیث سند معتبر است و تمامی روایات آن توثیق شده اند. اگر برخی از فقها از این روایت تعبیر به صحیحه نکرده اند. (طباطبایی ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۴۵۱، نجفی، ۱۳۶۵ ش، ج ۱۹، ص ۱۶۰) بلکه موثقه دانسته اند بخاطر این است که ابن فضال از حیث مذهب فطحی است ولی مرحوم شیخ (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۵۴، رقم ۵۲۴۱) و دیگر علمای رجال او را توثیق کرده اند. (خویی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۴۴، رقم ۲۹۸۳) شعيب العرقوفی هم همان شعيب بن يعقوب است که مرحوم نجاشی در مورد او می فرماید: ثقه عين. (نجاشی ۱۴۲۷، ص ۱۹۵، رقم ۵۲۰)

پاسخ: اولاً همان طور که برخی از فقها فرموده اند (طباطبایی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۴۵۱، اصفهانی، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۱۷) این روایت نمی تواند دلالتی بر وجوب داشته باشد چون اصل قربانی در عمره مستحب است و مورد روایت هم در مورد قربانی عمره است و بحث ما در قربانی حج تمتع است لذا نمی توان از این روایت استدلال بر وجوب در قربانی حج تمتع مطرح کرد.

ثانیاً: اگر ما وجوب اکل را بپذیریم لازم می آید که وجوب تقسیم به تثلیث و اکل ثلث آن را بپذیریم (سبحانی، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۱۳۱) چون در یک وحدت سیاقی و جویی مطرح شده است در حالی که کسی از فقها به آن قائل نشده است به عبارت فنی این روایت در این جهت معرض عنهای اصحاب است پس نمی توان از آن بر وجوب استدلال کرد.

۳-۲-۳. روایت دوم: صحیحہ سیف التمار

دومین روایتی که مستند قائلین به وجوب قرار گرفته روایت سیف التمار است: عنه عن ابن ابی عمیر عن سیف التمار قال: قال ابو عبدالله (ع): ان سعید بن عبدالملک قدم حاجا فلقى ابی فقال: انی سقت هدیاً فکیف اصنع؟ فقال له ابی: اطعم اهلک ثلثاً و اطعم القانع و المعتر ثلثاً و اطعم المساکین ثلثاً. فقلت: المساکین هم السؤال؟ فقال: نعم و قال: القانع الذی یقع بما ارسلت الیه من البضعه فما فوقها، و المعتر ینبغی له اکثر من ذلک هو اغنی من القانع یمتدیک فلا یسالك. (حر عاملی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ابواب الذبح باب ۴۰، حدیث ۳). امام صادق (ع) می فرماید: سعید بن عبدالملک در سفر حج به ملاقات پدرم (امام باقر (ع)) آمد و پرسید: من قربانی با خودم آورده‌ام حکمش چیست؟ پدرم فرمود: یک سوم آن را به اهل خودت اطعام کن و بخور، یک سوم آن را اهدا کن و یک سوم آن را به مساکین و فقرا صدقه بده.

روایت از حیث سند صحیح است و تمامی فقهای که این روایت را مد نظر قرار داده‌اند. صحت سند آن را پذیرفته‌اند. سیف التمار همان سیف بن سلیمان بن التمار است که مرحوم نجاشی تصریح به ثقه بودن او می‌کند (نجاشی، ۱۴۲۷، ص ۱۹۵، رقم ۵۲۰) و دیگر علمای رجال هم در توثیق او تشکیکی نکرده‌اند. (خویی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۳۶۳، رقم ۵۶۶۵)

مرحوم صاحب وسائل این روایت را با سند دیگری از معانی الاخبار شیخ صدوق نقل کرده که آن سند هم معتبر و صحیح است که باز سند منتهی به سیف التمار می‌شود. (حر عاملی، همان، ذیل حدیث ۳)

غالب فقهای که قول به وجوب را اختیار کرده‌اند و در ادله روایی به این روایت استناد کردند از این روایت استدلال بر وجوب کرده‌اند که می‌توان به مرحوم شهید اول در کتاب دروس الشریعه (شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۴۹) و مرحوم شهید ثانی در مسالک الافهام (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۳۰۴) و دیگر فقهای عظام اشاره کرد.

پاسخ: اولاً: این که امام «علیه السلام» تثلیث را در تقسیم ذبیحه مطرح کرده و آن را مورد استناد از آیه قرآن ذکر می‌کند در حالی که تقسیم به تثلیث به صورت حکم و جویی از آیه قرآن استفاده نمی‌شود و احدی از فقها از آیه قرآن وجوب تثلیث را

استدلال نمی‌کند این حاکی از استحباب در تقسیم بر تثلیث مطرح شده در کلام امام(علیه السلام) است که به صورت امر مطرح شده است وقتی ما تثلیث مطرح شده در کلام امام(ع) را حمل بر استحباب بکنیم قطعاً اصل امر امام(علیه السلام) بر اکل و موارد دیگر آن نیز از دلالت بر وجوب کنار می‌رود و حکم استحبابی بر آن بار می‌شود.

ثانیاً: ما در مقابل این روایت چند روایت دیگر داریم که صریح در عدم وجوب هستند که در قسمت دوم از ادله به آن می‌پردازیم که نشان می‌دهد در صورت تعارض نیز تقدم با روایات عدم وجوب است و اگر بخواهیم جمع بین روایات کنیم باید حمل بر استحباب

بکنیم. طباطبایی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۴۵۳، سبحانی، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۱۳۲)

۳-۳-۳. روایت سوم: صحیحہ ابی الصباح الكنانی

برخی از فقها (بحرانی، ۱۴۰۹، ج ۷۱، ص ۶۲) در ادله روایی مسئله به روایت ابی الصباح الكنانی نیز استدلال کرده‌اند. محمد بن یعقوب عن عده من اصحابنا عن احمد بن محمد عن محمد بن اسماعیل عن محمد بن الفضیل عن ابی الصباح الكنانی قال: سالت ابا عبدالله (علیه السلام) عن لحوم الاضاحی؟ فقال: کان علی بن الحسین(ع) و ابو جعفر(ع) یتصد قان بثلث عن جیرانهم و ثلث علی السؤال و ثلث یمسکانه لاصل البیت. (حر عاملی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰، ابواب الذبیح، ج ۴۰ حدیث ۱۳) راوی از امام(ع) سوال می‌کند از گوشت‌های قربانی که چه باید کرد؟ امام صادق(ع) می‌فرماید: امام سجاد(ع) و امام باقر(ع) یک سوم آن را به همسایگان، یک سوم آن را به فقرا و یک سوم آن را برای اهل بیت خود تقسیم می‌کردند.

این روایت نیز از حدیث سند صحیحہ است. نقل کلینی در این روایت از «عده من اصحابنا» است که در مباحث رجالی گفته شده است اگر این «عده من اصحابنا» به احمد بن محمد بن عیسی ختم بشود سند آن معتبر است و مراد از عده را نیز مشخص کرده‌اند. (حلی، ۱۴۳۱، ص ۴۳۰، الفانده، الثالثة)

محمد بن اسماعیل هم که در طریق سند قرار گرفته محمد بن اسماعیل بن بزیع

است که شکی در توثیق او نیست. مرحوم نجاشی در مورد او می نویسد: کان من صالحی هذه الطائفة و ثقاتهم (نجاشی، ۱۴۳۷، ص ۳۳۰، رقم ۸۹۳) محمد بن الفضیل نیز توثیق شده است. (همان، رقم ۹۹۵) ابوالصباح الکنانی که اسم او ابراهیم بن نعیم العبدی است وی نیز از اجلاء و بزرگان است عالمان رجالی او را توثیق کرده و حتی روایتی از امام صادق علیه السلام در جلالت شان او نقل کرده اند (همان، ص ۱۹، رقم ۲۴، خونی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۳۰۳)

بنابراین حدیث از حیث سند صحیحه است. از حیث دلالت استدلال بر وجوب کرده اند به این که امام صادق «علیه السلام» عمل دو امام معصوم را در کیفیت مصرف و تقسیم قربانی بیان می فرماید که قربانی را سه قسمت می کردند ثلث آن را برای اصل خود و ثلث آن را برای فقراء و ثلث آن را برای دیگر مومنین اختصاص می دادند.

از حیث ادبی هم چون «کان» با فعل مضارع آمده است دلالت بر استمرار فعل می کند.

پاسخ: اولاً این روایت در لحوم اضاحی است در حالی که تمامی فقها در اضحیه، تقسیم ثلاثی را مستحب می دانند. (حلی، ۱۴۲۹، ج ۱۱، ص ۲۶۲، طوسی، ۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۵۰۱) و حتی اگر کسی اگر تمامی لحوم اضحیه را خودش بخورد هیچ حرمتی بر آن بار نمی شود.

ثانیاً: سلّمنا که مصرف اضحیه با هدی متمتع یکسان باشد لکن این روایت عمل دو امام (ع) را مطرح می کند و عمل امام (ع) لسانی ندارد تا دلالت بر وجوب از آن ظهور یا صراحت پیدا کند. (سبحانی، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۱۳۲)

نهایت چیزی که از عمل امام (ع) ما می توانیم استفاده کنیم اباحه و جواز آن است. البته از این که این عمل مورد استمرار این دو امام معصوم (ع) بوده می توانیم استنباط آن را مطرح کنیم.

ثالثاً: همان طور که برخی از فقها گفته اند امام صادق (علیه السلام) در این روایت وقتی عمل این دو امام (علیه السلام) را مطرح می کند خودش امری و نکته ای را مطرح نمی فرماید تا ما از آن وجوب حتی به صورت ظهور استفاده کنیم. (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸،

ج ۵، ص ۲۷۰) بنابراین ما نمی‌توانیم از این روایت وجوب را بفهمیم بلکه می‌توان از آن استحباب را اثبات کرد.

۳-۳-۴. روایت چهارم: مرسله دعائم الاسلام

این روایت را محدث نوری در مستدرک الوسائل ذکر کرده است: فی دعائم الاسلام عن جعفر بن محمد (علیه السلام) قال: ینبغی لمن اهدی هدیا او ضحی ان یاکل من هدیة او اضحیته ثم یتصدق و لیس فیہ توقیت، یا کل ما احب و یطعم و یهدی و یتصدق: قال الله عزوجل و قرا الایتین. (نوری، ۱۴۱۹، ج ۱، ابواب الذبح، باب ۳۵ حدیث ۷)

در این روایت هم تقسیم ثلاثی ذبیحه مطرح شده و هم این که اکل به صورت صیغه مضارع آمده که می‌تواند آکد بر وجوب نسبت به امر باشد.

پاسخ: اولاً سند این روایت مرسله است لذا از حیث سند اعتباری ندارد. مضافاً که خود کتاب دعائم الاسلام هم از حیث مولف و هم از حیث روایات در آن اختلاف است. (سبحانی، ۱۴۱۷، ص ۷۹)

ثانیاً: عبارتی که در متن روایت آمده «ینبغی» احتمال آن در استحباب بیش تر است تا وجوب، چون که اضحیه را بر آن عطف کرده و در اضیحه کسی قائل به وجوب نشده است. (نجفی، ۱۳۶۵ ش، ج ۱۹، ص ۱۶۱)

ثالثاً: بسیاری از فقهای که وجوب اکل یا تقسیم ثلاثی و حتی استحباب در تقسیم را مطرح کرده‌اند اصلاً به این روایت استناد نکرده‌اند و فقط در کلمات برخی از متأخرین به عنوان موید مطرح شده است.

۳-۴. جمع بندی ادله:

با بررسی دلایل متعددی که در مسئله مطرح کردیم باید بگوئیم استدلال به اجماع (طوسی، ۱۳۷۷ ش، ج ۱ ص ۵۰۰، ابن زهره، ۱۴۱۷، ص ۱۹) و استدلال به اصل اباحه (طباطبایی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۵۵) و عدم وجوب، هیچ جایگاهی ندارد، چون همان طور که قبلاً گفتیم چنین اجماعی در مسئله وجود ندارد و از حیث اصل هم چون در مسئله ما آیات و روایات متعددی داریم پس تمسک به اصل پذیرفته نیست. عمده

دلیل در مسئله همان دو آیه کریمه قرآن (ج، آیه ۲۸ و ۳۶) و روایات متعددی بود که متذکر شدیم اما دو آیه که در بررسی از آن گفتیم که هر چند بصورت امر مطرح شده "کلوا و اطعموا" لکن چون توهم حظر در میان است و از سوی دیگر در برخی از همین آیات استفاده تقسیم ثلاثی در مصرف قربانی کرده‌اند و ما می‌دانیم این تقسیم ثلاثی استحباب دارد پس نمی‌توانیم حکم و جوبی را از آن بفهمیم. مضافا که امثال چنین امری غالبا غیر ممکن یا متعذر است. پس ما نمی‌توانیم از این دو آیه کریمه استفاده و جوب اکل یا جوب تقسیم را داشته باشیم. ولی روایاتی که بررسی شد چهار روایت بود که سه روایت از حیث سند، معتبر بود که دو روایت صحیحه (حدیث ۳ و ۱۳ از ابواب الذبح) و یک روایت موثقه (حدیث ۱۸) بود. روایت چهارم مرسله (نوری ۱۴۱۹، ج ۱۰ حدیث ۷ باب ۳۵) بود که اعتبار ندارد. لکن در دلالت این روایات بر جوب اکل یا جوب اطعام یا جوب تقسیم ثلاثی ذبیحه و مصرف قربانی اشکالاتی وجود دارد که به آن اشاره کردیم به این که برخی از این روایات که فعل دو امام (ع) را مطرح می‌کرد گفتیم فعل امام (ع) دلالت بر جواز عمل می‌کند نه وجوب آن. یک روایت هم با آن که سندش صحیح بود. لکن در مورد قربانی عمره بود که گفتیم تمامی فقها قربانی در عمره را مستحب می‌دانند و بحث ما در مورد قربانی واجب در حج تمتع است. صحیحه سیف التمار هم که گفتیم از این روایت هم وجوب اکل یا جوب تقسیم ثلاثی استنباط نمی‌شود.

مضافا ما در مقابل سه روایت داریم که عدم وجوب اکل و عدم وجوب تقسیم ثلاثی را تقویت می‌کند.

۳-۵. بررسی ادله قائلین به عدم وجوب (استحباب)

۳-۵-۱. دلیل اول: اجماع

در بین فقهای شیعه فقط دو نفر به اجماع تمسک کرده‌اند یکی مرحوم شیخ در تفسیر تبیان و کتاب الخلاف است که در تفسیر تبیان با تفسیر «عندنا» (طوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۸۱) و در کتاب الخلاف با تعبیر «اجماع الفرقه» (۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۵۰۱) قول به استحباب در تقسیم ثلاثه و اکل و صدقه و اهداء را مطرح می‌فرماید.

دومین فقیه شیعی که اجماع الطائفه را مطرح می‌کند مرحوم ابن زهره در غنیه النزوع است وی نیز در دلیل بر جواز اکل و تقسیم سه گانه یکی از ادله را اجماع ذکر می‌کند. (ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص ۱۹۰)

جواب: از آن جایی که مسئله ذات قولین است و در هر طرف قائلین فراوانی وجود دارد پس اجماعی در کار نیست مضافاً اجماعاتی که مرحوم ابن زهره و یا مرحوم شیخ طوسی در برخی از کتب خود مطرح می‌کنند اینها اجماع بر یک سری قواعد عام و یا نصوص قرآنی و روایی است لذا حجیتی ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۵۲)

۳-۵-۲. دلیل دوم: تمسک به اصل عدم وجوب (اصل اباحه)

این دلیل بیشتر در کلمات متأخرین از فقها مطرح شده است البته برخی از فقها این اصل را مطرح کرده و آن را به خاطر معارضه با ادله نقلی و نصوص در مسئله رد کرده‌اند. (شهید ثانی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۳۱)

ولی برخی دیگر از فقها مانند مرحوم کاشف اللثام که قائل به استحباب شده است این اصل را صراحتاً یکی از مویدات بر عدم وجوب مطرح می‌کند. (اصفهانی، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۱۷۰)

جواب: همان طور که فقها و اصولیین قائل شده‌اند اصول عملیه تا جایی راهگشا خواهند بود که دلیل اجتهادی و نصوص در مسئله نباشد. البته ممکن است برخی از فقها از این اصول بر مقتضای قواعد اولیه و قواعد عام استنباط کنند لکن باید پذیرفت حجیت و اعتبار اصول عملیه تا جایی است که نصوص و ادله نقلی در کار نباشد. بنابراین اینجا که هم دلیل قرآنی و هم روایات متعدد داریم که قریب به اتفاق فقها به این نصوص استناد کردند تمسک به اصل قابل پذیرش نخواهد بود.

۳-۵-۳. دلیل سوم: روایات

فقهایی که قائل به عدم وجوب شده‌اند به سه روایت استناد کردند، که لازم است مورد بررسی قرار بگیرد.

۳-۵-۳-۱. روایت اول: روایت علی بن اسباط

عن عده من اصحابنا عن سهل بن زیاد عن علی بن اسباط عن مولی لابی عبدالله (علیه السلام) قال: رايت اباالحسن الاول دعا ببدنه - فنحرها فلما ضرب الجزارون عراقيبها توقعت الى الارض وكشفوا شيئاً من سنامها فقال: اقطعوا واكلوا منها واطعموا فان الله يقول: فاذا وجبت جنوبها فكلوا منها واطعموا. (حر عاملی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰، ابواب الذبح، باب ۴۰، حدیث ۲۰)

ممکن است در سند این روایت خدشه کنند چون سهل بن زیاد محل اختلاف است و مرحوم نجاشی او را تضعیف کرده است. (نجاشی، ۱۴۲۷، ص ۱۸۵، رقم ۴۹۰) لکن باید گفت از جهات دیگر می توان او را توثیق کرد به این که کثرت نقل روایت از او نشان از اعتبار و توثیق او می کند. بیش از هشتصد روایت در کافی داشتن می تواند موجب اعتبار راوی بشود. علی بن اسباط با آن که فطحنی مذهب است لکن مورد توثیق نجاشی و دیگران واقع شده است. (همان، ص ۶۵۲، رقم ۶۶۳)

بنابراین می توان این روایت را از حیث سند تقویت کرد و از حیث دلالت می تواند مورد توجه واقع شود به این که در این روایت امام کاظم (علیه السلام) هر چند فرمود: «كلوا واطعموا» لکن خود حضرت از قربانی نخورد این نشان می دهد که اگر وجوبی داشت باید حضرت از آن قربانی می خورد.

۳-۵-۳-۲. روایت جعفر بن بشیر

عن محمد بن الحسين بن ابي الخطاب عن جعفر بن بشير عن ابي عبدالله (عليه السلام) قال: سألته عن البدن التي تكون جزاء الايمان والنساء ولغيره يوكل منها؟ قال: نعم يوكل من كل البدن (حر عاملی، همان، باب ۴۰ حدیث ۷).

این روایت از حیث سند صحیحه است چون سند شیخ طوسی تا محمد بن الحسین بن ابی الخطاب صحیحه است و خود محمد بن الحسین بن ابی الخطاب از اجلاء و بزرگان است. (خویی، ۱۴۰۳، ج ۱۵، ص ۲۹۱، رقم ۱۰۵۵۴) در کتب رجالی در مورد ایشان آمده است: ثقه، عین، جلیل من اصحابنا عظیم القدر کثیرالروایه (نجاشی،

۱۴۲۷، ص ۳۳۴، رقم ۱۸۹۷) جعفر بن بشیر الجبلی هم از ثقات و بزرگان است. (همان، ص ۱۱۹، رقم ۳۰۴) دلالت این روایت بر عدم وجوب نیز آشکار است. چون اکل از اکل بدن غالباً متعذر است و امام (ع) می‌خواهد استحباب آن را مطرح بفرماید چون مورد روایت بود. مضافاً که امام (ع) فقط اکل را مطرح کرده در حالی که باید اهداء و یا صدقه را نیز متذکر می‌شد.

بنابراین باید بگوئیم حق در مسئله با فقهای است که قائل بر عدم وجوب اکل و استحباب تقسیم ثلاث شده‌اند.

۳-۵-۳- صحیحہ عبدالرحمن بن الحجاج

باسنادہ عن محمد ابن احمد بن یحیی عن الحسین بن علی عن العباس بن عامر عن ابان بن عثمان عن عبدالرحمن عن ابی عبداللہ (ع) قال: سألته عن الهدی ما یاکل منه اشیء ینہدی فی المتعہ او غیر ذلک؟ قال: کل ہدی من نقصان الحج فلا یاکل منه و کل ہدی من تمام الحج فکل. (حر عاملی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰، ابواب الذبح، باب ۴۰، حدیث ۴)

سند این روایت صحیحہ است. محمد بن احمد بن یحیی از اجلاء و بزرگان است. (نجاشی، ۱۴۲۷، ص ۳۴۸، رقم ۹۳۹) حسن بن علی بن فضال هم در مورد او علمای رجال نوشته‌اند: الشیخ الصدوق الثقہ کثیر الحدیث (خویی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۲۳۷، رقم ۶۱۷۳) ابان بن عثمان نیز مورد توثیق واقع شده است. (نجاشی، ۱۴۲۷، ص ۱۳، رقم ۸)

عبدالرحمن الحجاج هم از اجلاء و بزرگان است و شکی در وثاقتش نیست. (همان، ص ۲۳۷، رقم ۶۳۰)

لذا اگر قائل نشویم این روایت صحیحہ است باید بگوئیم موثقه است فقط بخاطر حسن بن علی بن فضال که فطحی است. در این روایت با آن که راوی از امام (ع) در مورد قربانی تمتع از اهداء و اکل سوال می‌کند ولی امام (ع) فقط به اکل می‌پردازد (سبحانی، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۱۳۱) که از بیان امام (ع) ما جواز آن را و یا به ضمیمه ادله دیگر استحباب آن را می‌فهمیم مضافاً که اکل از کل بدن غالباً متعذر است پس

باید حمل به جواز یا استحباب کرد.

۴. نتیجه گیری

با بررسی کامل در تمامی اقوال و ادله روشن می شود که قول به عدم وجوب اکل از قوت بیشتری برخوردار است همان طوری که اکثر قدماء (مشهور قدما) و نیز کثیری از متاخرین و اکثر معاصرین بر آن فتوی داده اند و از حیث ادله نیز قول عدم وجوب اظهر است. چون عمده دلیل قائلین به وجوب دو آیه از قرآن و برخی از روایات بود که در بررسی ادله روشن شد آیه قرآن دلالتی بر وجوب ندارد چون امر عقیب الحظر بود که بسیاری از فقها نیز از این آیه اباحه را فهمیده اند و روایات هم دلالت آن ها بر وجوب کافی نبود. در مورد تقسیم قربانی به ۳ قسمت (اکل، اهداء، صدقه) نیز قریب به اتفاق فقهاء قائل به استحباب شده بودند عده کمی از فقهاء رای بر وجوب آن داده بودند که گفتیم حق با همین قول به استحباب است و ادله برای اثبات استحباب کاملا روشن بود و روایات در مسئله بیش از این را اثبات نمی کرد لذا نمی توان حکم بر وجوب کرد. نهایت سخن این که این تقسیم قربانی به سه قسم (اکل، اهداء، صدقه به فقراء) در هدی متمتع مستحب است همان طور که در اضحیه مستحب است و ما دلیل کافی برای وجوب نداریم.

منابع و مآخذ

۱- قرآن کریم

۲- ابن براج، قاضی عبدالعزیز (۱۴۰۶ق)، المهذب، موسسه نشر اسلامی. قم،

چاپ اول

۳- ابن زهره حلبی، حمزه بن علی (۱۴۱۷ق)، غنیه النزوع، موسسه امام صادق

(ع) قم. چاپ اول

۴- اردبیلی، احمد، (۱۴۰۹ق) مجمع الفائده و البرهان، موسسه نشر اسلامی، قم.

چاپ اول

۵- اردبیلی، احمد، (۱۴۱۹ق) زبده البیان، موسسه امام صادق علیه السلام قم.

چاپ اول

- ۶- اراکی، محمد علی، (۱۳۷۲ ش) مناسک حج، انتشارات مکتبه الاعلام الاسلامی، قم، .
- ۷- اصفهانی، محمد بن الحسن، (۱۴۲۲ق) کشف اللثام، موسسه نشر اسلامی قم، چاپ دوم.
- ۸- امام خمینی، روح الله. (۱۴۰۳ق) تحریر الوسیله، مکتبه اعتماد، تهران، چاپ دوم.
- ۹- امام خمینی و مراجع معظم تقلید، (۱۳۸۸ ش) مناسک حج انتشارات مشعر، تهران، . چاپ پنجم.
- ۱۰- بحرانی، یوسف، (۱۴۰۹ق) الحدائق الناضره، موسسه نشر اسلامی، قم ۱۴۰۹.
- بی جا
- ۱۱- حلبی، ابوالصلاح، (۱۴۰۷ق) الکافی فی الفقه، موسسه نشر اسلامی، قم،
- ۱۲- حلبی، محمد بن ادریس، (۱۴۲۸ق) السرائر، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ، چاپ سوم.
- ۱۳- حلبی، جعفر بن الحسن، (۱۳۷۳ ش) شرایع الاسلام، انتشارات امیر، قم، . چاپ چهارم.
- ۱۴- حلبی، جعفر بن الحسن، (بی تا) المعتمر، خطی بی چا، کتابخانه مرحوم بروجردی
- ۱۵- حلبی، یحیی بن سعید، (۱۴۰۵ق) الجامع للشرائع، موسسه سید الشهداء، قم، چاپ اول.
- ۱۶- حلبی، حسن بن یوسف مطهر، (۱۴۲۹) منتهی المطلب، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد چاپ دوم.
- ۱۷- حلبی، حسن بن یوسف مطهر، (۱۴۲۱ق) تذکره الفقها، دفتر انتشارات اسلامی، قم.. چاپ اول
- ۱۸- حلبی، حسن بن یوسف مطهر، (۱۴۱۸ق) قواعد الاحکام، دفتر انتشارات اسلامی، قم. چاپ دوم
- ۱۹- حلبی، حسن بن یوسف مطهر، ۱۴۱ ارشاد الازهان. دفتر انتشارات اسلامی،

قم.ق، چاپ دوم

۲۰- حلی، حسن بن یوسف مطهر، (۱۴۲۰ق)تحریر الاحکام، موسسه امام صادق (علیه السلام)، قم. چاپ اول

۲۱- حلی، حسن بن یوسف مطهر، (۱۴۱۸ق) مختلف الشیعه، دفتر انتشارات اسلامی، قم.. چاپ اول

۲۲- حلی، حسن بن یوسف مطهر، (۱۴۳۱ش) خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، انتشارات فقاہت، قم. چاپ چهارم

۲۳- حر عاملی، محمد بن الحسن، (۱۳۷۲ش) وسائل الشیعه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ہفتم.

۲۴- خراسانی، محمد کاظم، (۱۴۱۸ق) کفایہ الاصول، دفتر انتشارات اسلامی، قم، قم چاپ دوم

۲۵- خوئی، ابوالقاسم، (۱۴۲۶ق)المعتمد فی شرح المناسک، موسسه احیاء آثار الخوی، قم، .

۲۶- خوئی، ابوالقاسم، (۱۴۰۳) معجم رجال الحدیث، دارالزهراء، بیروت، چاپ سوم

۲۷- خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۱ق) مناسک حج، انتشارات مدینہ العلم، قم،

۲۸- راغب اصفہانی، حسین بن محمد، (۱۴۲۶ق) مفردات الفاظ القرآن، انتشارات طلیعہ نور، قم، چاپ اول

۲۹- سبحانی، جعفر، (۱۴۲۷ق) الحج فی الشریعہ الاسلامیہ الغراء، انتشارات توحید، قم، چاپ اول

۳۰- سبحانی، جعفر، (۱۴۱۷ق) کلیات فی علم الرجال، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم

۳۱- سیستانی، سید علی، (۱۴۱۴ق) مناسک حج، انتشارات ستاره، قم، چاپ اول

۳۲- شہید اول، شمس الدین محمد بن مکی، (۱۴۱۰ق)اللمعہ الدمشقیہ، موسسه فقہ الشیعه، بیروت، چاپ اول

- ۳۳- شهید اول، شمس الدین محمد بن مکی، (۱۴۱۷ق) الدروس الشرعیه،
فترانتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم
- ۳۴- شهید اول، شمس الدین محمد بن مکی، (۱۴۱۴ق) غایه المراد فی شرح نکت
الارشاد، مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه، قم، چاپ اول
- ۳۵- شهید ثانی، زین الدین علی، (۱۴۲۱ق) مسالک الافهام، موسسه معارف
اسلامی، قم، چاپ دوم.
- ۳۶- شهید ثانی، زین الدین علی، ۱۴۰۸ الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه،
انتشارات کتابخانه آقای مرعشی نجفی، قم چاپ دوم
- ۳۷- شهید ثانی، زین الدین علی، (۱۴۱۴ق) حاشیه الارشاد، مرکز الابحاث
والدراسات الاسلامیه، قم، چاپ اول
- ۳۸- صافی گلپایگانی لطف الله، (۱۴۲۷ق) فقه الحج، انتشارات حضرت
معصومه (س)، قم،
- ۳۹- صدوق، محمد بن علی بن الحسین، (۱۴۱۵ق) المقنع، موسسه امام
صادق (ع)، قم، چاپ اول
- ۴۰- طباطبائی، سید علی، (۱۴۱۵ق) ریاض المسائل، دفتر انتشارات اسلامی، قم،
چاپ اول.
- ۴۱- طباطبائی، محمد حسین، (۱۴۲۱ق) المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، قم،
چاپ هفتم.
- ۴۲- طبرسی، فضل الدین حسن، (۱۴۲۶ق) مجمع البیان، انتشارات اسوه، قم،
چاپ اول.
- ۴۳- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۸۷ق) المبسوط فی فقه الامامیه، المكتبه
المرتضویه، تهران، چاپ اول
- ۴۴- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۷۷) الخلاف، انتشارات رنگین، تهران، چاپ
اول
- ۴۵- طوسی، محمد بن الحسن، (بی تا) النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، انتشارات
قدس محمدی، قم.

۴۶- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۵) تفسیر تبیان، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.

۴۷- طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۵) رجال الشیخ، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول

۴۸- عراقی، ضیاء الدین، (۱۴۱۴ق) شرح تبصره المتعلمین، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۴، چاپ اول

۴۹- عاملی، شیخ بهاء الدین، بی تا، جامع عباسی، انتشارات فراهانی، تهران.
۵۰- فاضل آبی، ابی علی حسن بن ابی طالب، (۱۴۰۸ق) کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، دفتر انتشارات اسلامی قم.

۵۱- فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۱۸ق) تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، دارالتعارف للمطبوعات، قم، چاپ دوم

۵۲- قطان حلی، شمس الدین محمد بن شجاع، (۱۴۲۴ق) معالم الدین فی فقه آل یاسین، موسسه امام صادق(ع)، قم، چاپ اول

۵۳- کاشف الغطاء، جعفر، (۱۴۲۲ق) کشف الغطاء، بوستان کتاب، قم، چاپ اول.

۵۴- کرکی، علی بن الحسین، (۱۴۱۱ق) جامع المقاصد فی شرح القواعد، موسسه آل البیت، بیروت، چاپ اول

۵۵- گلپایگانی، سید محمد رضا، (۱۴۱۳ق) مناسک حج، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۴۱۳، چاپ اول

۵۶- مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۰ق) المقنعه، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۰، چاپ دوم.

۵۷- موسوی عاملی، سید محمد بن علی، (۱۴۱۰ق) مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام، موسسه آل البیت، قم، چاپ اول

۵۸- نجاشی، ابوالعباس، (۱۴۳۷ق) احمد بن علی، رجال نجاشی، دفتر انتشارات، قم، ق چاپ هشتم

۵۹- نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۵ ش) جواهر الکلام، دارالکتب الاسلامیه، تهران،

چاپ سوم

۶۰- نراقی، احمد بن محمد مهدی، (۱۴۲۹ق) مستند الشیعه، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت.

۶۱- نوری طبرسی، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، موسسه آل البيت، چاپ اول.

۶۲- هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۳۹۲ش، جزوه مدخل فقه، قم، انتشارات، فقه اهل البيت.

